بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء وسيد المرسلين، أما بعد:

﴿ گذاشتن شاخه ی درخت در قبر ﴾

عَن أَبِي بَكْرَةَ رضي الله عنه قال: بَيْنَمَا النَّبِي ﷺ يَمْشِي بَيْنِي وَبَيْنَ رَجُلٍ آخَرَ إِذْ أَتَى عَلَى قَبْرَيْنِ، فَقَالَ: « إِنَّ صَاحِبَيْ هذَيْنِ الْقَبْرَيْنِ يُعَذَّبَان، فَائْتِيانِي بِجَرِيدَةٍ ». قالَ أَبُو بَكْرَةَ: فَاسْتَبَقْتُ أَنَا وَصَاحِبِي، فَأَتيته بِجَرِيدة، فَشَقَّهَا نِصْفَيْن، فَوَضَعَ فِي هَذا الْقَبْرِ وَاحِدَةً، وَفِي ذَا الْقَبرِ وَاحِدَةً، قَالَ: « لَعَلَّهُ يُخَفَّفُ عَنْهُمَا مَا دَامَتَا رَطْبَتَين؛ إِنَّهُمَا يُعَذَّبَانِ بِغَيْرِ كَبِيرٍ؛ الغَيبةِ وَالبَولِ ».

❋ تخریج حدیث: امام احمد، ۳۵/۵، حدیث شماره ۲۰۳۸۹ و طبرانی در "المعجم الاوسط" ۱۱۳/۴، حدیث شماره ۳۷۴۷ و ابن‌ماجه به طور مختصر در (کتاب الطهارة وسننها، باب التشدید فی البول، حدیث شماره ۳۴۹) ودرجه ی این روایت حسن لغیره است.

❋ **ترجمه حدیث:** از أَبُوبَكْرَه رضي الله عنه روایت است در حالی که رسول الله ﷺ میان من و مرد دیگری قدم می‌زد؛ به دو قبر رسید، فرمود: « صاحبان این دو قبر گرفتار عذاب می‌باشند، شاخه‌ی درخت نخل بیاورید»، أَبُوبَكْرَه رضي الله عنه گفت: من و دوستم برای آوردن از همدیگر سبقت گرفتیم که من شاخه‌ی درخت نخل را آوردم، رسول الله ﷺ آن را شکافت و به دو قسمت نمود و هر قسمت را روی یکی از آن دو قبر گذاشت. فرمود: « امید است تا زمانی که این دو شاخه تَر هستند و خشک نشده‌اند خداوند عذاب آنان را تخفیف دهد! آن دو گرفتار عذاب شده اما نه به خاطر کار سختی!، غیبت و ادرار ».

❋ **توضیح:** گویم (جوهری): امام خطابی در "معالم السنن" ۲۷/۱ می‌گوید: (دلالت این حدیث بر تبرک به آثار رسول الله ﷺ و دعایش بر کاسته شدن عذاب از آن دو نفر است، و مثل اینکه وقتی رسول الله ﷺ برای آن دو نفر از الله خواست که عذاب آنها را بکاهد مدّت خیس ماندن آن دو چوب مقدار زمانی برای کاهش عذاب از آن دو نفرمشخص شده است، و این کار برای خواص چوب خیس که در چوب خشک نیست صورت نگرفته است، و بیشتر مردم عامی در خیلی از جاها برگ درخت نخل را در قبر مردگان خود می‌گذارند، و احتمال می‌دهم که آنان به این حدیث استناد کرده‌اند که دلیلی بر آنها در این حدیث نیست).

امام آلبانی در کتاب احکام جنایز (چاپ مکتبة المعارف ص ۲۵۴، تنبیه: در نسخه‌ی ترجمه شده‌ی کتاب احکام جنایز به زبان فارسی این مطالب در آن یاد نشده است!!!؟) گوید: (آنچه که دلالت بر خاص بودن این کار بر رسول الله ﷺ دارد و این‌که کاسته شدن عذاب به علت مرطوب بودن آن دو چوب نیست مطالب زیر است:

الف) حدیث جابر ﺭﺿﻲ ﺍﻟﻠﻪ ﻋﻨﻪ در صحیح مسلم ۲۳۱/۸-۲۳۶ که در ضمن آن آمده رسول الله ﷺ می‌فرمایند: « إِنِّی مَرَرْتُ بِقَبْرَیْنِ یُعَذَّبَانِ فَأَحْبَبْتُ بِشَفَاعَتِی أَنْ یُرَفَّهَ عَنْهُمَا مَا دَامَ الْغُصْنَانِ رَطْبَیْنِ» : « من از کنار دو قبری که در آن دو نفر عذاب می‌دیدند عبور کردم، پس خواستم با دعا و شفاعت خود تا زمانی که آن دو شاخه تر هستند از عذاب آنان کاسته شود»؛ این لفظ حدیث به صراحت بیان دارد که بر داشته شدن عذاب از آن دو نفر به علت شفاعت و دعای رسول الله ﷺ است نه به سبب تَر بودن آن دو شاخه، ... و کاسته شدن عذاب مردگان به علت تَر بودن شاخه‌ی درخت، هیچ دلیل شرعی و عقلی برای آن وجود ندارد و اگر این امر چنین بود باید کمتر کسانی که عذاب می‌بینند کفّار باشند، کسانی که در قبرستان‌هایی شبیه باغ که پُر از درخت و گیاه است دفن می‌شوند و در طول زمستان و تابستان سرسبز است؛ اضافه بر این که بعضی از علماء مثل امام سیوطی گفته‌اند: (سبب تأثیر رطوبت چوب در کاسته شدن عذاب به علت تسبیح گفتن آن است) و می‌گویند: (اگر چوب خشک شود دیگر تسبیح نمی‌گوید!!) و این تعلیل مخالف با فرموده‌ی الله ﷻ است که می‌فرماید: ﴿ وَإِن مِّن شَیۡءٍ إِلَّا یُسَبِّحُ بِحَمۡدِهِۦ وَلَٰكِن لَّا تَفۡقَهُونَ تَسۡبِیحَهُمۡ ﴾: « هیچ موجودی نیست مگر این‌که حمد و ثنای الله می‌گوید، ولی شما تسبیح آنان را نمی‌فهمید» (سوره‌ی اسراء آیه‌ی ۴۴).

ب) در خود حدیث ابن‌عباس ﺭﺿﻲ ﺍﻟﻠﻪ ﻋﻨﻬﻤﺎ نیز اشاره شده به این‌که سرّ مطلب در تَر بودن شاخه‌ی نخل نیست [که در این‌جا در حدیث مذکور از أَبُوبَکْرَه ﺭﺿﻲ ﺍﻟﻠﻪ ﻋﻨﻪ هم به آن اشاره شده است] یا بهتر است که گفته شود تَر بودن آن شاخه علّت کاسته شدن عذاب نیست، وآن هم طبق گفته‌اش: «سپس شاخه‌ی نخلی را خواست و آن را به دو قسمت نمود » یعنی: آن را به درازا نصف کرد، و همان‌طور که معلوم است این شکاف سبب به سرعت از بین رفتن رطوب چوب و خشک شدن آن است، پس مدّت کاسته شدن عذاب کمتر از این است که اگر شکافته نمی‌شد، پس اگر علّت تَر بودن آن شاخه بود آن را همان‌طور رسول الله ﷺ رها می‌کرد و بر سر هر قبری شاخه‌ی نخلی یا حداقل نصف آن قرار می‌داد، پس چون این کار را رسول‌الله ﷺ انجام نداده دلیل بر این است که مرطوب بودن یا تَر بودن شاخه‌ی نخل سبب کاسته شدن عذاب نیست، بلکه علامتی است بر مدّت زمانی که الله ﷻ اجازه داده‌اند که عذاب بر آنها کاسته می‌شود و آن هم به دلیل استجابت دعای رسول الله ﷺ، همان‌طور که به صراحت در روایت جابر ﺭﺿﻲ ﺍﻟﻠﻪ ﻋﻨﻪ به آن اشاره شده است، پس بدین صورت هر دو حدیث در تعیین سبب با هم متفق می‌شوند هرچند که احتمال دارد وقائع متفاوت باشند...

ج) اگر تَر بودن شاخه‌ی نخل به ذات خودش مقصود بود علمای سلف آن را فهمیده و به آن عمل می‌کردند، و به هنگام زیارت مردگان شاخه‌ی نخل و دیگر گیاهان را روی قبر قرار می‌دادند، و اگر چنین کاری را انجام می‌دادند این کار از آنان شهرت پیدا می‌کرد و بعد از آنها علمای ثقات به ما نقل می‌کردند، زیرا این کار از جمله اموری است که نگاه را به سوی خود

جذب می‌کند، و اسباب مختلف موجب نقل چنین کاری می‌بود، پس عدم نقل چنین فعلی دلیل بر عدم وقوع آن دارد، و متقرّب شدن به الله با چنین کاری بدعت است.

پس در صورت واضح شدن این مسأله فهم باطل بودن قیاس ضعیفی که امام سیوطی در کتاب "شرح الصدور" از یکی از علماء که نام او را یاد نکرده آسان می‌شود: (پس در صورتی که عذاب آن دو نفر با تسبیح گفتن شاخه‌ی نخل کاهش پیدا کند پس چه بسا به قرائت مؤمن بر سر قبر؟ سپس می‌گوید: و این حدیث دلیل اساسی در مسأله‌ی کاشتن درختان کنار قبرهاست).

گویم (آلبانی): در جواب به او گفته می‌شود: دلیل خود را ثابت بگردان سپس به بحث بپرداز!! و در صورت خمیدگی چوب هرگز سایه صاف و مستقیم نمی‌ایستد؟ و اگر این قیاس درست بود علمای سلف به سوی آن سبقت می‌گرفتند زیرا آنان از ماها بر کار خیر حریص‌تر بوده‌اند.

پس با توجه به دلایل مذکور قرار دادن شاخه‌ی نخل بر روی قبر خاص رسول الله ﷺ بوده است، و علّت کاهش عذاب از آن دو نفر در قبر تَر بودن آن دو شاخه نبوده است بلکه علت کاهش عذاب بر آن دو نفر شفاعت و دعای رسول‌الله ﷺ بوده است، و این کار بعد از وفات رسول الله ﷺ دیگر امکان ندارد که رخ دهد و نه هم برای کسی دیگر بعد از وی ﷺ، زیرا آگاه شدن از عذاب مردگان از خصوصیّات رسول الله ﷺ می‌باشد، و این امر از امور غیبی است که غیر از پیامبران کسی دیگر بر آن آگاه نمی‌شود، همان‌طور که در قرآن آمده: ﴿ عَـٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ فَلَا يُظۡهِرُ عَلَىٰ غَيۡبِهِۦٓ أَحَدًا ٢٦ إِلَّا مَنِ ٱرۡتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ ﴾ (سوره‌ی جن آیه‌ی ۲۶-۲۷): « داننده‌ی غیب الله است، و هیچ کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌سازد * مگر پیامبری که الله از وی خشنود باشد ».

شایان ذکر است که مطالب مذکور با آنچه سیوطی در شرح الصدور ص ۱۳۱ ذکر کرده منافات ندارد: (امام ابن‌عساکر با اسناد حماد بن سلمه از قتاده از أُبوبَرْزَه اَسلمی رضی الله عنه روایت می‌کند که گوید: رسول الله ﷺ بر سری قبری عبور کرد و دید که آن کس که در قبر خوابیده عذاب می‌بیند، پس شاخه‌ی نخلی را برداشت و در آن قبر کاشت، و فرمود: « چه بسا تا زمانی که آن شاخه تَر است از عذاب وی کاسته شود »؛ و أُبوبَرْزَه چنین وصیّت داشت: « هر گاه مرا در قبر خواباندید همراه من دو شاخه‌ی نخل قرار دهید »، سپس گوید: أُبوبَرْزَه در جایی مابین "کرمان" و "قومس" وفات یافت، و گفتند: وی ما را وصیّت داشت که همراهش در قبر دو شاخه‌ی نخل قرار دهیم و این مکان جایی است که در آن شاخه‌ی نخلی یافت نمی‌شود، و در آن هنگام کسانی که از طرف سجستان می‌آمدند آشکار شدند که همراه آنان شاخه‌های نخل بود، پس دو شاخه‌ی نخلی از

آنها گرفتند و همراه وی در قبر گذاشتند. و امام ابن‌سعد از مُوَرِّق روایت دارد که گوید: بریده ﭬ وصیّت کرده بود که همراه وی در قبرش دو شاخه‌ی نخل بگذارند).

گویم (آلبانی): وجه عدم منافات این روایت‌ها با یکدیگر چنین است که در دو اثر مذکور – بر فرض صحّت هر دو روایت– دلیلی بر مشروعیّت گذاشتن شاخه‌ی نخل بر سر قبر به هنگام زیارت قبرها نیست، کاری آن را یکی بدعت‌ها به حساب آوردیم که عمل علمای سلف بر آن نبوده است، و آنچه در این دو روایت ذکر شده فقط گذاشتن دو شاخه‌ی نخل همراه مرده در قبر است، و این مسأله‌ی دیگر است، هرچند این کار نیز مثل مسأله‌ی قبلی درست نیست، زیرا حدیثی که اُبوبَرْزَه ﭬ روایت کرده مثل روایت دیگر صحابه دلالت بر این کار ندارد، به ویژه این‌که در حدیث گذاشتن یک شاخه‌ی نخل در آن ذکر شده و اُبوبَرْزَه ﭬ وصیّت کرده که دو شاخه‌ی نخل در قبر وی قرار دهند.

غیر از این‌که سند این اثر صحیح نیست، و امام خطیب بغدادی در کتاب تاریخ بغداد ۱۸۲/۱-۱۸۳ و با اسناد وی ابن‌عساکر در تاریخ دمشق در نهایت مبحث متعلق به نَضلَة بن عُبید بن از اَبی‌بَرْزَه الاَسلمی ﭬ از الشاه بن عمّار از ابوصالح سلیمان بن صالح اللیثی از النَّضر بن المنذر بن ثعلبه العَبدی از حماد بن سلمه روایت کرده است.

گویم (آلبانی): این اسناد ضعیف است و دو عیب دارد:

اول: مجهول بودن الشاه و النَّضر که زندگی نامه‌ای از این دو نفر را نیافته‌ام.

دیگری: با لفظ "عن" روایت کردن قتاده که یاد هم نشده که روایتی از اُبوبَرْزَه ﭬ داشته باشد، و قتاده نیز مدلّس است، و در این چنین اسنادی با لفظ "عن" در روایت قتاده هراس است.

اما وصیبت بریده ﭬ ثابت و صحیح است، امام ابن‌سعد در کتاب الطبقات ج۷ ق۱ ص۴ گوید: به من خبر داده: عفّان بن مُسلم از حماد بن سلمه از عاصم الأحول که مورِّق گوید: بریده ﭬ وصیّت کرده بود که همراه وی در قبرش دو شاخه‌ی نخل بگذارند، ...

امام ابن‌حجر در شرح این روایت می‌گوید: بریده ﭬ دلالت این حدیث را عام برای همه دانسته است، و این کار را خاص برای آن دو شخص ندانسته است، ابن‌رُشَید گوید: آنچه از تصرّف بخاری در کتاب صحیحش برداشت می‌شود این است که این کار خاص به آن دو شخص بوده است، به همین علت بعد از این روایت گفته‌ی عبد الله بن عمر ﭭ [در رد بر آن کسی که سایه‌بانی بر سر قبری گذاشته بود] را ذکر کرده که گوید: آن شخص عملش بر وی سایه می‌افکند.

گویم (آلبانی): برداشت بخاری بر اساس آنچه ذکر شد صحیح و درست است، و ایده‌ی بریده ﷺ توجیهی ندارد، زیرا نظر و ایده‌ی شخصی خودش است که در حدیث دلالتی بر آن نیست هرچند که عام باشد، چون رسول الله ﷺ شاخه‌ی نخل را در قبر نگذاشت بلکه آن را بر روی قبر قرار داد و « بهترین راه و روش‌ها، راه روش محمد ﷺ است»).

گویم (جوهری): رسول الله ﷺ با وجود دلسوزی‌ای که نسبت به امتش داشته است آنان را توصیه نکرده که چنین کاری را با مردگان خویش انجام دهند، ﴿ لَقَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ عَزِيزٌ عَلَيۡهِ مَا عَنِتُّمۡ حَرِيصٌ عَلَيۡكُم بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ﴾ (سوره‌ی توبه آیه‌ی ۱۲۸) : « برای شما پیامبری از خودتان به سویتان آمده است، هر گونه درد و رنجی که به شما برسد بر وی سخت و گران می‌آید، بر شما حریص و دلسوز است [که شما را نجات دهد] و نسبت به مؤمنان محبّت و لطف و مهربانی دارد »، این هم دلیلی می‌باشد بر این‌که این کار فقط برای آن دو نفر بوده و برای همه کس نیست، زیرا اگر چنین کاری نفعی برای ما داشت هیچ‌وقت رسول الله ﷺ از توصیه به آن دریغ نمی‌نمودند.